

برابری در گمنامی

NA هرگز عضویت را طبقه بندی نمی کند و به هیچ وجه عضو درجه دومی در آن وجود ندارد. وجه مشترک در NA بیماری اعتیاد است و همگی ما اعضای NA، بطور مساوی در تیررس و خطر نابودی از این بیماری قرار داریم. سهم همگی ما در استفاده از حق بهبودی مساوی است.

چگونگی، عملکرد سنت سوم، "کاربرد اصول روحانی"

برای بعضی از ما سنت سوم که اصرار بر این دارد که تنها یک لازمه برای عضویت در NA وجود دارد، آسان به نظر می رسد. به هر حال ما در NA بهبودی را پیدا کرده ایم و هیچ کس از ما در مورد صلاحیت مان سؤالی نپرسید. ممکن است ما فکر کنیم که دیگران هم به همین سادگی آن را پیدا خواهند کرد. شاید ما علیرغم اعتیادمان، زندگی خوبی در حلقه ای از دوستان داشتیم و برای همین احساس عدم تعلق هرگز برای ما پیش نیامده باشد. اگر با حضار زبان و فرهنگ مشترکی داشتیم، دیگر هماهنگ شدن با ایشان چالشی برای ما محسوب نمی شد. امکان دارد ما در جلسه نگاهی به اطراف مان انداختیم و چهره هایی را دیدیم که شبیه خود ما بودند. و یا شاید آنقدر ناامید بودیم که بدبینی مان از بین رفته بود و علیرغم همه تفاوت های ظاهری، توانستیم خوشآمدگویی گرم اولین جلسه خود را پذیرا باشیم. از جزئیات که بگذریم خیلی از ما بدون فکر، فرض را بر این گذاشتیم که دیگران هم مثل ما احساس استقبال داشته اند. بیماری اعتیاد تلاش می کند از تفاوت های ما اسلحه ای بسازد تا ما را بیمار نگه دارد.

واقعیت این است که علیرغم تلاش های فردی ما برای تعمیم آن حس خوشآمد معروف NA به افراد، موانع زیادی برای بسیاری از اعضای بالقوه وجود دارد. بعضی از ما با پذیرش حس استقبال از سوی اعضای که با ما و معیارهای جامعه تفاوت دارند مشکل داریم. یکی از اعضاء نوشت: "من دائماً خودم را فاقد صلاحیت در NA می دانستم. من وقتی پاک شدم جوان بودم ماده خاصی مصرف نکرده بودم و از لحاظ جنسیت نیز با دیگران فرق داشتم. بیماری ام به من می گوید که تو به اینجا تعلق نداری و بگونه ای حق داری خودت را جدا کرده و تنها باشی." قبل از اینکه ما تفاوت های مان را کنار بگذاریم - همانطور که در تمرین گمنامی به ما پیشنهاد شده - ممکن است تشخیص این نکته مفید باشد که اگر هنوز اعضای دیگری مانند خودمان را در جلسات نمی بینیم هم ذات پنداری برای مان دشوارتر خواهد شد.

اعضای ثابت NA به خوبی بر بیماری مشترک ما تأکید می کنند. صرف نظر از ویژگی های تجربیات مان مصرف مواد، ما را به انزوا، احساس شرمساری و انحطاط کشاند. شناسایی سطح احساسات، اغلب نقطه خوبی برای شروع است. راه مشترک ما بسوی یک زندگی بهتر، در این پیام NA خلاصه شده است: "یک معتاد، هر نوع معتادی می تواند قطع مصرف کند، میل به مصرف را از دست بدهد و راه تازه ای برای زندگی پیدا کند." بیماری تبعیض قائل نمیشود، NA هم نباید تبعیض قائل شود.

**بهبودی ارزشمند است پس من تلاش خواهم کرد تا با تأکید بر شباهت های مان
و دست کم نگرفتن هیچ معتادی، به دسترسی بیشتر آن کمک کنم.**